

بررسی مقایسه ای خودپنداره و مؤلفه های آن در میان دانش آموزان نابینا و بینا

امیر قمرانی / کارشناس ارشد کودکان استثنایی، مدیریت آموزش و پرورش استثنایی استان خراسان جنوبی
شهرام نوری / کارشناس ارشد کودکان استثنایی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول



چکیده

میانگین نمرات خودپنداره کلی، تحصیلی، ورزشی و ارزشی دختران بیشتر از پسران بود ولی هیچ یک از این تفاوتها به لحاظ آماری معنی دار نبود. همچنین در خود پنداره ورزشی، گرچه میانگین پسران بیش تر از دختران بود اما این تفاوت معنادار نبود. و تنها در بعد خودپنداره اجتماعی، دختران دارای خودپنداره اجتماعی بالاتر ($x=13/64$) و معنی دار ($F=4/17, p<0/05$) نسبت به پسران بودند. علاوه بر این تأثیر تعاملی جنسیت و نوع آزمودنی (نابینا و بینا)، بر خودپنداره کلی و مؤلفه های آن معنی دار نبود.

در پرتو نتایج این پژوهش مشخص گردید که درک و نگرش نابینایان نسبت به توانمندیهای تحصیلی، ورزشی، بالایی قرار دارد و همپراز با همتایان بینایشان می باشد

هدف از پژوهش حاضر، مقایسه خودپنداره و مؤلفه های آن (خودپنداره تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی) در دانش آموزان نابینا و بینا با توجه به جنسیت آنان بود. به عبارت دیگر، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال بود که: «آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره کلی و مؤلفه های آن، با توجه به متغیر جنسیت تفاوت وجود دارد؟» اطلاعات لازم جهت پاسخگویی به سؤال فوق، با استفاده از پرسشنامه خودپنداره منداگلیو ویی ریت (۱۹۹۵)، از نمونه ای به حجم ۴۰ نفر، متشکل از ۲۰ دانش آموز نابینا (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) و ۲۰ دانش آموز بینا (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) جمع آوری شد. اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از تحلیل واریانس دو عاملی (2×2) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاکی از آن بود که در خودپنداره کلی و مؤلفه های آن، میان دانش آموزان نابینا و بینا تفاوت معنی داری وجود ندارد، هر چند که میانگین نمرات کودکان بینا در خودپنداره کلی و مؤلفه های آن از کودکان نابینا بالاتر بود. به لحاظ عامل جنسیت نیز، علی رغم اینکه

از سال ۱۹۵۰، یعنی از زمانی که مریدان تعلیم و تربیت دریافتند پیشرفت تحصیلی نمی تواند جدا از دیگر جنبه های رشد انسانی در نظر گرفته شود، بررسی های اولیه در مورد خودپنداره آغاز گردید و از آن سال به بعد، بتدریج این سازه، به عنوان یک متغیر مهم در مراکز آموزشی منظور شد (لوپز و کارمن، ۲۰۰۱).

خودپنداره، دلالت بر مجموعه ی منظمی از نگرشها و تصورات فرد درباره خویش دارد (لوپز، کارمن، آنتونیو و اداوردو ۲۰۰۱) که به فرد انسجام بخشیده (کلارک و دیکسون، ۱۹۹۷) و به ارزیابی وی از خودش کمک می کند (کوپراسمیت، ۱۹۶۷ به نقل از دیسون، ۲۰۰۳) علی رغم اینکه در گذشته، خودپنداره به عنوان یک ساختار واحد و تک بعدی تلقی گردیده، لیکن بررسی های اخیر نشان می دهد که این مفهوم دارای ساختاری چند بعدی بوده و اجزایی مستقل دارد (لوپز و کارمن، ۲۰۰۱).

برای مثال، شاولسون و همکاران (۱۹۷۶) به نقل از کلارک و دیکسون، (۱۹۹۷)، یک مدل چند بعدی و سلسله مراتبی از خودپنداره ارائه می دهند، که در آن خودپنداره کلی (عمومی)^۱ در رأس مدل قرار می گیرد. خودپنداره عمومی به نوبه خود به خودپنداره تحصیلی^۲ و غیر تحصیلی^۳ تفکیک می شود. خودپنداره تحصیلی، عقاید فرد در مورد توانمندیهای تحصیلی اش را در بر می گیرد و خودپنداره غیر تحصیلی که خودپنداره اجتماعی^۴ را نیز در بر دارد به عقاید فرد درباره روابط و تعاملات اجتماعی خودش با دیگران اشاره می کند.

دیدگاه هارت (۱۹۸۱) به نقل از گرونومو و اوگستاد، (۲۰۰۰)، نسبت به خودپنداره به صورت چند بعدی است. او ضمن مطرح کردن «تئوری انگیزش کفایت»^۵ بیان می دارد که تجارب رفتاری مثبت، به تحول خودپنداره مثبت منجر شده و آن نیز به نوبه خود به احساس رضایت^۶ و خود ارزشمندی کلی^۷ منجر می شود. در همین راستا، منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵) به نقل از البرزی و سامانی، (۱۳۸۱) نیز، خودپنداره را براساس چهار بعد مورد بررسی قرار می دهند. خودپنداره تحصیلی، خودپنداره اجتماعی، خودپنداره ورزشی^۸ (درک و نگرشی که فرد در زمینه ورزشی و بازیها نسبت به خود دارد)، و خودپنداره ارزشی^۹ (درک و نگرشی که فرد برای خود قایل است، به طور مثال فرد درکی که از خود دارد، این است که آدم خوبی است). پژوهشگران مزبور، با استفاده از رویکرد فوق ابزاری جامع جهت بررسی خودپنداره و مؤلفه های چهارگانه آن تدوین کرده اند که به دلیل جامعیت و روز آمد بودن آن، در این پژوهش به عنوان ابزار مورد



علی رغم وجود تعدادی از پژوهشها که به ضعف نابینایان در خودپنداره و مؤلفه های آن اشاره دارند، پژوهشهای دیگری نیز وجود دارند که عدم تفاوت نابینایان و همتایان بینایشان را در خودپنداره و مؤلفه های آن مورد تأیید قرار می دهند

استفاده قرار گرفت.

نظر به اهمیت خودپنداره در فرایند رشد و تحول دانش آموزان، مطالعه خودپنداره افراد نابینا نیز، مورد توجه خاص متخصصان تعلیم و تربیت استثنایی قرار گرفته است.

مرور پژوهشهای قبلی زمینه بررسی و مقایسه خودپنداره نابینایان و همتایان بینای آنها، نتایج ضد و نقیضی را آشکار می سازد. بدین معنا که علیرغم وجود تعدادی از پژوهشها که به ضعف نابینایان در خودپنداره و مؤلفه های آن اشاره دارند، پژوهشهای دیگری نیز وجود دارند که عدم تفاوت نابینایان و همتایان بینایشان را در خودپنداره و مؤلفه های آن مورد تأیید قرار می دهند. به عنوان مثال، در پژوهشی که توسط لوث و سرگیانی (۱۹۸۶) به نقل از الکساندر، (۱۹۹۶) به منظور مقایسه خودپنداره دانش آموزان نابینا، ناشنوا و بینا صورت گرفت، مشخص شد که هر دو گروه نابینا و ناشنوا در قیاس با گروه بینا



دانش آموزان نابینا و مقایسه آن با همتایان بینایشان قابل انجام است، لذا پژوهش حاضر در راستای دست یافتن به هدف فوق، به دنبال پاسخگویی به سؤلهای زیر بوده است:

۱. آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره کلی و با توجه به جنسیت آنان تفاوت وجود دارد؟
۲. آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره تحصیلی و با توجه به جنسیت آنان تفاوت وجود دارد؟
۳. آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره اجتماعی و با توجه به جنسیت آنان تفاوت وجود دارد؟
۴. آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره ورزشی و با توجه به جنسیت آنان تفاوت وجود دارد؟
۵. آیا میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره ارزشی و با توجه به جنسیت آنان تفاوت وجود دارد؟

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش آموزان دختر و پسر نابینا و بینای مراکز راهنمایی شهر شیراز در سال تحصیلی ۸۴-۸۳ بودند که از این جامعه، نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر (۲۰ نابینا و ۲۰ بینا) و با نسبت برابر از بین دو جنس، به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند.

ابزار پژوهش: ابزار پژوهش مشتمل بر پرسشنامه ای بود که منداگلیو و پی ریت (۱۹۹۵ به نقل از البرزی و سامانی، ۱۳۸۱) در زمینه ارزیابی خودپنداره ساخته و آترا (پی - ام - اس - پی - اس) نام نهاده اند. همانطور که پیشتر ذکر شد، این پرسشنامه در مورد مفهوم خودپنداره دارای دیدگاهی چند بعدی است و چهار مقوله خودپنداره تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی را مورد سنجش قرار می دهد.

روایی و پایایی این پرسشنامه توسط البرزی و سامانی (۱۳۸۱) در شهر شیراز تعیین شده است. این پژوهشگران روایی ابزار را با استفاده از روایی محتوا و پایایی آن را با استفاده از روش آلفای کرونباخ و دوباره سنجی، مطلوب و مناسب گزارش کرده اند.

روش اجرا: ابتدا ۲۰ دانش آموز نابینا (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) از یک مدرسه راهنمایی ویژه دانش آموزان نابینا در شهر شیراز به صورت تصادفی انتخاب شدند. سپس دو مدرسه راهنمایی عادی (یک دخترانه و یک پسرانه) که براساس نظر کارشناسان آموزش و پرورش، به لحاظ موقعیت اجتماعی والدین دانش آموزان، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و کیفیت آموزشی، معادل مدرسه راهنمایی ویژه نابینایان بودند، انتخاب و از میان دانش آموزان این مدارس

از خود پنداره ضعیف تری برخوردار هستند. در همین راستا، بتی (۱۹۹۱ به نقل از الکساندر، ۱۹۹۶) نیز در پژوهشی که بر روی نوجوانان بینا و نابینا در شیکاگو انجام داد. دریافت که نمرات خودپنداره دانش آموزان نابینا در قیاس با همتایان بینای آنها، به طور معنی داری پایین تر می باشد. در کنار این یافته ها، نتایج پژوهشهای گرونومو و اوگستاد (۲۰۰۰)، جروس (۱۹۵۹ به نقل از لویز و کارمن، ۲۰۰۱) و ایباکو و استایل (۱۹۹۰ به نقل از الکساندر، ۱۹۹۶) همگی مؤید عدم تفاوت نابینایان و بینایان در خودپنداره و مؤلفه های آن می باشند. از سوی دیگر، برخی پژوهشهای به بررسی تفاوت های جنسیتی در زمینه خودپنداره پرداخته اند. به عنوان مثال، پژوهش میلگرام (۱۹۷۶ به نقل از البرزی و سامانی، ۱۳۸۱)، حاکی از آن بوده که دختران به لحاظ خودپنداره کلی، از پسران بهتر می باشند. کالک (۱۹۸۰ به نقل از لویز و همکاران، ۲۰۰۱)، در پژوهش خود نشان داد که پسران نابینا خودپنداره واقع بینانه تر و مثبت تری نسبت به دختران نابینا دارند. نتایج پژوهش راسوئیل (۱۹۹۵ به نقل از لویز و کارمن، ۲۰۰۱)، مشخص کرد که دختران در خودپنداره اجتماعی و خانوادگی و پسران در رضایت از خود و خودپنداره اخلاقی، نمرات بالاتری به دست می آورند.

از آنجایی که شناسایی ویژگی های دانش آموزان نابینا، به ویژه خودپنداره آنان، می تواند اطلاعات مفیدی را در اختیار دست اندرکاران تعلیم و تربیت این گروه جهت برنامه ریزی صحیح و مناسب برای آنان قرار دهد و این مهم از طریق بررسی خودپنداره

تعداد ۲۰ نفر (۱۰ دختر و ۱۰ پسر) به صورت تصادفی انتخاب و در نمونه نهایی منظور شد. نتایج پژوهش در ارتباط با بررسی و مقایسه خودپنداره کلی نابینایان و بینابیان با توجه به جنسیت آنان (سؤال اول تحقیق) در استفاده از روش تحلیل اطلاعات: اطلاعات جمع آوری شده با استفاده از روش تحلیل واریانس دو طرفه (۲×۲) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. جداول ۱ و ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۱: میانگین و انحراف معیار خودپنداره کلی در دختران و پسران و در دانش آموزان نابینا و بینا

پسر		دختر		بنا		نابینا		گروه
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص های آماری
۶/۴۱	۴۹/۶۵	۷/۲۶	۵۴/۲۱	۷/۸۴	۵۲/۳۰	۶/۶۰	۵۰/۲۰	نوع خودپنداره
								خودپنداره کلی

نتایج جدول شماره (۱) حاکی از آن است که میانگین خودپنداره کلی در دانش آموزان بینا از دانش آموزان نابینا و دختران از پسران بالاتر است. به منظور بررسی معنی داری تفاوت های مزبور از آزمون تحلیل واریانس استفاده شده که نتایج آن در جدول زیر آمده است. جدول شماره ۲: نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی جنسیت (دختر و پسر) و نوع آزمودنی (نابینا و بینا) در خودپنداره کلی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۱۸۹/۲۵	۱	۱۸۹/۲۵	۲/۷۸	معنی دار نیست
نوع آزمودنی	۲۸/۸۴	۱	۲۸/۸۴	۰/۵۷	معنی دار نیست
جنسیت × نوع آزمودنی	۱۰/۳۴	۱	۱۰/۳۴	۰/۲۰	معنی دار نیست
خطا	۱۷۹۹/۸۰	۳۶	۴۹/۹۹		
کل	۱۰۷۱۰۶/۰۰	۴۰			

همانطور که در جدول شماره (۲) نشان داده شده است میان دختران و پسران و دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره کلی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین تعامل جنسیت و نوع آزمودنی نیز معنی دار نمی باشد.

نتایج حاصل از بررسی سؤال دوم پژوهش حاضر، یعنی مقایسه خودپنداره تحصیلی دانش آموزان بینا و نابینا با توجه به جنسیت آنان در جداول ۳ و ۴ آورده شده است.

جدول شماره ۳: میانگین و انحراف معیار خودپنداره تحصیلی در دختران و پسران و در دانش آموزان نابینا و بینا

پسر		دختر		بنا		نابینا		گروه
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص های آماری
۱/۷۰	۱۳/۱۱	۱/۲۹	۱۳/۸۵	۱/۷۲	۱۳/۴۰	۱/۴۹	۱۳/۳۵	نوع خودپنداره
								خودپنداره تحصیلی

نتایج جدول (۳) نشان می دهد که تفاوت بسیار ناچیزی بین میانگین خودپنداره تحصیلی نابینایان و بینابیان و دختران و پسران وجود دارد.



جدول شماره ۴: نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی جنسیت (دختر و پسر) و نوع آزمودنی (نابینا و بینا) در خودپنداره تحصیلی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۵/۰۱	۱	۵/۰۱	۱/۹۱	معنی دار نیست
نوع آزمودنی	-/۰۱	۱	۰/۰۱	۰/۰۵	معنی دار نیست
جنسیت × نوع آزمودنی	-/۰۱	۱	۰/۰۱	۰/۰۵	معنی دار نیست
خطا	۹۴/۲۳	۳۶	۲/۶۲		
کل	۷۲۵۵/۰۰	۴۰			

همانگونه که در جدول شماره (۴) نشان داده شده است بین دانش آموزان نابینا و بینا و دختران با پسران در خودپنداره تحصیلی تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین تعامل جنسیت و نوع آزمودنی نیز معنی دار نمی باشد. در خصوص مقایسه خودپنداره اجتماعی در دانش آموزان نابینا و بینا و با توجه به جنسیت آنان (سؤال سوم پژوهش)، نتایج حاکی از آن بود که میانگین خودپنداره اجتماعی دانش آموزان بینا و دانش آموزان دختر به ترتیب از دانش آموزان نابینا و پسر بالاتر است. با این وجود تنها تفاوت دختران با پسران در خودپنداره اجتماعی به لحاظ آماری معنی دار می باشد. ($p \leq 0/05$) (جدول ۵ و ۶).

جدول شماره ۵: میانگین و انحراف معیار خودپنداره اجتماعی در دختران و پسران و در دانش آموزان نابینا و بینا

گروه	بینا		دختر		انحراف معیار
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
نوع خودپنداره	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار
خودپنداره اجتماعی	۱۲/۱۵	۲/۳۶	۱۳/۰۵	۲/۵۰	۱۳/۰۳

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی جنسیت (دختر و پسر) و نوع آزمودنی (نابینا و بینا) در خود پنداره اجتماعی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۲۳/۴۲	۱	۲۳/۴۲	۴/۱۷	-/۰۴
نوع آزمودنی	۶/۶۸	۱	۶/۶۸	۱/۱۹	معنی دار نیست
جنسیت × نوع آزمودنی	۰/۱۸	۱	۰/۱۸	-/۰۳	معنی دار نیست
خطا	۲۰۱/۸۹	۳۶	۵/۶۰		
کل	۶۵۸۴/۰۰	۴۰			

نتایج حاصل از بررسی سؤال چهارم پژوهش حاضر؛ یعنی مقایسه خودپنداره ورزشی دانش آموزان نابینا و بینا و با توجه به جنسیت آنان، در جداول ۷ و ۸ آمده است.



جدول شماره ۷: میانگین و انحراف معیار خودپنداره ورزشی در دختران و پسران و در دانش آموزان نابینا و بینا

پسر		دختر		بینا		نابینا		گروه
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری
۲/۹۸	۱۲/۵۰	۳/۴۱	۱۱/۸۵	۲/۷۳	۱۲/۴۰	۲/۹۴	۱۱/۵۵	نوع خودپنداره
								خودپنداره ورزشی

جدول شماره (۷) نشان می‌دهد که به لحاظ خودپنداره ورزشی تفاوت‌های ناچیزی میان نابینایان و بینایان به نفع بینایان و دختران و پسران، به نفع پسران وجود دارد.

جدول شماره ۸: نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی جنسیت (دختر و پسر) و نوع آزمودنی (نابینا و بینا) در خودپنداره ورزشی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۱۶/۷۶	۱	۱۶/۷۶	۲/۰۸	معنی دار نیست
نوع آزمودنی	۴/۷۱	۱	۴/۷۱	-/۵۸	معنی دار نیست
جنسیت × نوع آزمودنی	۱/۷۱	۱	۱/۷۱	-/۲۱	معنی دار نیست
خطا	۲۸۹/۲۷	۳۶	۸/۰۳		
کل	۶۰۵۱	۴۰			

جدول شماره (۸) بیانگر آن است که تفاوت میان دختران با پسران و نابینایان با بینایان در خودپنداره ورزشی، به لحاظ آماری معنی دار نمی‌باشد. همچنین اثر تعاملی جنسیت و نوع آزمودنی نیز معنی دار نمی‌باشد. در خصوص بررسی سؤال پنجم، یعنی مقایسه خودپنداره ورزشی دانش آموزان نابینا و بینا و با توجه به جنسیت آنان، نتایج حاکی از آن بود که تفاوت‌های ناچیزی میان خودپنداره ورزشی نابینایان با بینایان و دختران با پسران وجود دارد. (جدول ۹). افزون بر این مشخص شد که این تفاوت‌ها به لحاظ آماری نیز معنی دار نمی‌باشد (جدول ۱۰).

جدول شماره ۹: میانگین و انحراف معیار خودپنداره ورزشی در دختران و پسران و در دانش آموزان نابینا و بینا

پسر		دختر		بینا		نابینا		گروه
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخص‌های آماری
۲/۰۷	۱۳	۲/۰۳	۱۴/۸۵	۲/۲۲	۱۴/۴۵	۱/۸۴	۱۲/۱۵	نوع خودپنداره
								خودپنداره ورزشی

جدول شماره ۱۰: نتایج آزمون تحلیل واریانس دو عاملی جنسیت (دختر و پسر) و نوع آزمودنی (نابینا و بینا) در خودپنداره ورزشی

منبع واریانس	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی داری
جنسیت	۶/۶۸	۱	۶/۶۸	۱/۵۱	معنی دار نیست
نوع آزمودنی	۰/۲۴	۱	۰/۲۴	۰/۰۵	معنی دار نیست
جنسیت × نوع آزمودنی	۱/۸۴	۱	۱/۸۴	۰/۴۱	معنی دار نیست
خطا	۱۵۸/۹۶	۳۶	۴/۴۱		
کل	۷۲۴۶/۰۰	۴۰			





بحث و نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای خودپنداره و مؤلفه‌های آن در میان دانش آموزان نابینا و بینا و با توجه به جنسیت آنان بود. در این پژوهش، ابعاد و مؤلفه‌های خودپنداره براساس مدل خودپنداره منداگلیو و پی ریت، تعریف شد، که اساسی‌ترین اجزاء آن عبارت از خودپنداره تحصیلی، اجتماعی، ورزشی و ارزشی می‌باشد (منداگلیو و پی ریت، ۱۹۹۵ به نقل از البرزی و سامانی، ۱۳۸۱).
براین اساس در پژوهش حاضر با استفاده از مدل مذکور، به مقایسه خودپنداره کلی و مؤلفه‌های آن در دانش آموزان نابینا و بینا و با توجه به جنسیت آنان پرداخته شد.

نتایج پژوهش حاضر همسو با یافته‌های گرونومو و اوگستاد (۲۰۰۰)، جروس (۱۹۵۹) به نقل از لویز و کارمن، (۲۰۰۱) و ایباکو و استایل (۱۹۹۰) به نقل از الکساندر، (۱۹۹۶)، مؤید آن است که میان دانش آموزان نابینا و بینا به لحاظ خودپنداره و مؤلفه‌های آن تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. ارزش این یافته با عنایت بر تأثیر خودپنداره بر برخی سازه‌های مهم نظیر عملکرد تحصیلی (موجس و های ۱۹۹۰ به نقل از دیسون، ۲۰۰۳)، خودارزشمندی کلی (گرونومو و اوگستاد، ۲۰۰۰)، مهارت‌های اجتماعی (فریمن و سولیوان، ۲۰۰۳) و اثربخشی روشهای تغییر رفتار (بندورا، ۱۹۷۷)، به نقل از فریمن و سولیوان، (۲۰۰۳)، بیش از پیش آشکار می‌شود. از سوی دیگر با توجه

به اینکه دانش آموزان نابینای پژوهش حاضر از یک مرکز آموزشی ویژه دانش آموزان نابینا که تحت پوشش سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور می‌باشد، انتخاب شده بودند، می‌توان به صورت ضمنی نتیجه‌گیری نمود که آموزش‌ها، امکانات و برنامه‌های ارائه شده توسط سازمان مزبور از کیفیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بوده، چه آنکه توانسته است خلاء ناشی از تأثیر معلولیت بر خودپنداره را جبران نموده و به کاهش تفاوت‌های خودپنداره دانش آموزان نابینا و هم‌تایان بینای شان بیانجامد.

یافته دیگر پژوهش حاضر، یعنی برتری دختران بر پسران به لحاظ خودپنداره اجتماعی دور از انتظار نیست و با نتایج پژوهش راسونیل (۱۹۹۵) به نقل از لویز و کارمن، (۲۰۰۱) همسو و هم جهت می‌باشد.

در مجموع می‌توان اذعان داشت که یافته‌های این پژوهش رهیافت‌های نوید بخشی را فراروی نابینایان و متخصصان تعلیم و تربیت قرار می‌دهد، چرا که در پرتو نتایج این پژوهش مشخص گردید که درک و نگرش نابینایان نسبت به توانمندیهای تحصیلی، ارزشی، ورزشی و اجتماعی شان در سطح بالایی قرار دارد و هم‌تراز با هم‌تایان بینایشان می‌باشد.

امید است که با افزایش پژوهش‌هایی از این دست، امکان تعمیم این یافته به کل جامعه نابینایان این مرز و بوم میسر گردد.

1. Self concept
2. General self - concept
3. Academic self - concept
4. Nonacademic self - concept
5. Social self- concept
6. competence
7. feeling of contentment
8. Global self - worth
9. Athletic self - concept
10. Valuative self - concept
11. Pymrit Mendaglio - Self - Perception - Survey (P M S P S)



منابع:

۱- البرزی، شهلا و سامانی، سیامک. (۱۳۸۱). مقایسه خودپنداره در میان دختران و پسران دانش آموز مقطع راهنمایی مراکز تیزهوشان. مقاله ارایه شده به اولین همایش ملی استعدادهای درخشان، شیراز.

- Alexander, F.E. (1996). Self - concepts of children with visual impairments. *Re : View*, 28 , 35-44.
- Clark, J., & Dixon , D.N. (1997). *The impact of social skills training on the self concepts of gifted high school students*. *Journal of Secondary Gifted Education*, 8 (4), 179 - 189.
- Dyson, L.I. (2003). *Children with learning disabilities with the family context: A comparison with siblings in global self - concept, academic self - perception, and social competence* *Learning Disabilities Research & practice*, 18(1) , 1-9.
- Freeman, G. & Sullivan, K. (2003). *Effects of creative drama on self - concept, social skills*. *The Journal of Educational Reserch*. 96(3), 133-138.
- Gronmo, S. J. . & Augestad, L.B. (2000) *Physical activity, self- concept, and global self - worth of blind youths in Norway and France*. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 94 (8). 522-528.
- Lopez, D., & Carmen, M. (2001). *Self - concept and gender in spanish low - vision adolescents*. *Visual Impairment Reserch*, 3(1), 7-16.
- Lopez, M., Carmen, M., Antonio, J., & Edvardo, A (2001). *Development and impelimentation of a curriculum to developpe social competence for students with visual impairment*. *Journal of Visual Impairment & Blindness*, 95(3), 150-161.